

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمورشاه تیموری

بهار و طبیعت

ای طبیعت چه نقاشی که دوصد نقش و نگار
مخمل سبزه بود پهن به کسوی و برزن
بلبلان مست گل و گل به تماشای چمن
نرگس همواره که چشمی نگرانی دارد
عاشقان از لب معشوقه تقاضا دارند
برگ گل نازکی تازه عذاری دارد
گسوی از باد صبا اشک یتیمان ریزد
زاسمان خون ببارد، بزمین خفته بخون
مردم صلح طلب صاف دل بی پروا
هر طرف گوش دهی آه یتیمان در گوش
طفل شیرخوار که جز در پی مادر نرود
دختران در سر بازار چو حیوان بفروش
هر جوان عقده بدل در پی شغلی پویان
آه و افسوس و صد افسوس که قلبی نتپد

کمی آماده و پسرورده در ایام بهار
لاله و سنبل و ریحان هزاران به هزار
طوطیان خنده کنان اند به هر کنج و کنار
دیده در راه بدوزد که چه آید ز بهار
بوسه ای چند که آرد نفس شان به شمار
غنچه شرمندگی از سرخی رنگ لب یار
زان همه سردی و بی رحمی ارباب کبار
مردم بی سر و بی پای بهر کوی و دیار
سوخت در آتش سنگین مسلمان و کفار
هرطرف بنگری صد مادر غمدیده قطار
مادرش رفته ز انظار و ندارد غمخوار
قسمت بیوه زنان حال تباہ قلب فگار
دست یک پیر نگیرند که ندارد غمخوار
زان کسانی که بدوش من و تو گشته سوار

این کسان اند که چون جوک پلید خونخوار
من و تو نان شب و روز گدائی بکنیم
نان و آبی نرسد بهر ضعیفان وطن
پس بیائید پی چاره این کار شویم
رحم بر مردم غمدیده بیچاره کنیم
ای وطن فخر تو کو عزت و شانت به کجاست؟
شهره از خوبی بُدی در همه دنیا لیکن
یارب از فضل و کرم رحمت خاصی بنما
می مکند خون ز ابنای وطن چون سوسمار
آن کسان مالک میلیون و تریلون به هزار
فقر و بیچارگی افزون ز سرحد شمار
حق خود را بستانیم ز دیوان مکار
ظلمان را بسر شان ببندیم افسار
این چه آورد به سرت ددمنشان خونخوار
شهرت نیک تو گردیده کنون بی مقدار
تا برون رفت ازین فاجعه پرادبار

آنچه از دست برفته ست بیارند بدست

نشود ظلم و ستم بر سر مردم تکرار

(المان - ۲۲ مارچ ۲۰۱۲)